

The cultural dimensions of housing should be considered as a chain that connects other social, functional and physical aspects and affects the relations between them. In general, post-settlement assessments have been started since the 1960s to develop environmental psychology and behavioral and environmental research. In recent decades, residential satisfaction assessment has been one of the most important research topics in various fields. Post-residency assessments are divided into two categories: deductive post-residency assessments and productive post-residency assessments. In post-deductive assessments, the researcher can compare the "lifestyle" between spaces to create norms or understand changes before and after the implementation of a new design. Also point out the interests, opinions, behaviors, and behavioral orientations of an individual, group, or culture that reflect specific developments

Cultural modernity is present in contemporary architecture and has a great impact on residential satisfaction. Accordingly, in this article, with the deductive evaluation approach, the impact of residents' satisfaction with the change in lifestyle patterns is discussed. Lifestyle changes have been taken as a basis for residential satisfaction in Tehran in two neighborhoods. The statistical population will include people living in Tehran in the assumed areas. In order to determine the pattern of areas of metropolitan areas. In the end, while referring to "simple coincidence", Tehran was selected. Sampling In completing the questionnaire, the method of comparing their views on the physical-spatial factors of housing, solutions and basic suggestions about cultural lifestyle planning and housing design is mentioned.

بررسی تاثیر تغییرات سبک زندگی بر رضایت‌مندی سکونتی؛ مورد پژوهی: محله دروس و نازی آبادرضا کشاورز نوروبورا^۱هادی محمودی نژاد^۲ایرج اعتصام^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱

چکیده

ابعاد فرهنگی مسکن را باید زنجیری دانست که سایر وجوه اجتماعی، کارکردی و کالبدی، را به یکدیگر پیوند میدهد و بر روابط بین آنها تأثیرگذار است. بهطور کلی ارزیابی‌های پس از سکونت از دهه ۰۹۶۱ در راستای توسعه روانشناسی محیط و پژوهش رفتار و محیط آغاز شده است. در دهه‌های اخیر نیز ارزیابی رضایت‌مندی سکونتی، از مهمترین موضوعات پژوهشی در رشته‌های مختلف محسوب شده است. ارزیابی‌های پس از سکونت را به دو دسته تقسیم می‌شوند: ارزیابی‌های پس از سکونت قیاسی و ارزیابی‌های پس از سکونت مولد. در ارزیابی‌های پس از سکونت قیاسی، پژوهشگر به منظور ایجاد هنجارها یا درک تغییرات در قبل و بعد از اجرای یک طراحی جدید، به مقایسه می‌تواند به Life Style (سبک روزانه) یا لایف استایل به انگلیسی) «سبک زندگی» بین فضاها می‌پردازد. همچنین علایق، نظرات، رفتارها و جهتگیری رفتاری یک فرد، گروه یا فرهنگ اشاره کند که بازتابی ویژه از تحولات مدرنیته فرهنگی در معماری معاصر است و بر رضایت‌مندی سکونتی تأثیر فراوان دارد. بر این اساس در این مقاله با رویکرد ارزیابی قیاسی به تأثیرپذیری رضایت‌مندی ساکنین از تغییر در الگوهای سبک زندگی پرداخته می‌شود که در مرحله تحلیلی، به بیان «اسنادی» و «پیمایشی» در مرحله ادبیات نظری و روش «توصیفی-تحلیلی» با روش تأثیر تغییرات سبک زندگی بر رضایت‌مندی سکونتی شهر تهران در دو محله به عنوان مبنا اقدام شده است. جامعه آماری شامل مردم ساکن تهران در مناطق مفروض خواهد بود. به منظور تعیین نمونه‌موردی مناطقی از کلانشهر است. در پایان ضمن اشاره به «تصادفی ساده» تهران انتخاب گردید. نمونه‌گیری در تکمیل پرسشنامه به شیوه مقایسه نظرات آنها از عوامل کالبدی-فضایی مسکن، راهکارها و پیشنهاداتی اصولی درباره برنامه‌ریزی فرهنگی سبک زندگی و طراحی مسکن اشاره شده است.

واژگان کلیدی: سکونت، رضایت‌مندی سکونتی، سبک زندگی، مدرنیته و مسکن، برنامه‌ریزی مسکن.

^۱دانشجوی دکتری، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران^۲استادیار، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مهدیشهر، مهدیشهر، ایران hadi_urban@yahoo.com^۳استادیار، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

از دیرباز مسکن و سرپناه یکی از نیازهای اصلی بشر محسوب میشود. این کالای اساسی در گذر زمان تحولات شکلی و محتوایی عمده‌های را تجربه کرده است، با این‌وجود در تمامی دورانها یکی از عناصر اصلی و تاثیرگذار در شکلگیری بافت شهر محسوب شده و برای شناسایی فرهنگها و ساختارهای اجتماعی در دوره‌های مختلف از تحولات مسکن در آن دوران استفاده میشود. از سوی دیگر، انسان موجود مدنی و اجتماعی است و هر اجتماعی در صورتی دوام پیدا میکند که قوانین و مقرراتی برای ادارهی صحیح اجتماع وضع گردد (بابائیلاتیپ، ۱۳۳۸، ص ۴۲). توجه ویژه به موضوع رضایتمندی سکونتی چند علت عمده دارد: از نقطه نظر اول، ارزیابی ساکنین از محیطهای سکونتی میتواند به عنوان یکی از مهمترین معیارهای سنجش دستیابی به اهداف و ارزیابی میزان موفقیت هر طرح محسوب شود (طبیمسرور و رضایمویید، ۱۳۹۳): از نقطه نظر دوم، رضایتمندی سکونتی به عنوان و همچنین ارزیابیهای ذهنی (Adams) یکی از شاخصهای مهم کیفیت عمومی زندگی افراد به شمار میرود (۸۴۹۱ Dahman). افراد در مورد مسکن و محله خود، نحوه پاسخ و واکنش آنها به مسکن خود را پیشبینی میکند (۸۵۹۱). همچنین یکی از واکنشهای محتمل ساکنین در صورت عدم رضایت از شرایط موجود، تلاش برای تغییر شکل کالبد سکونتی است. از آنجاییکه طراحی مسکن به صورت انبوه معمولاً تنزل در کیفیت را به همراه دارد (صادقی و همکاران، ۱۹۱۳)، تغییر شکل در آنها، امری بسیار شایع است؛ چراکه با وجود تعلق و وابستگی هر مسکن به کاربر و زمینه آن (زندیه و همکاران، ۱۳۹۳)، فراهم‌آوردندگان مسکن، کمتر به نقش سکونتکننده بنا فکر میکنند (کامل نیا، ۲۹۱۳)؛ در نتیجه علیرغم سعی سازندگان به بررسی و فهم خواستههای سکنه و ایده‌آل‌های آنها، در عمل، ارتباط در واقع یکی از شاخه‌های نوپای انسانشناسی فرهنگی است که به مقوله «انسانشناسی مسکن» (Minister, 2003)، در ارتباطات ذهنی و ادراکی مردم با محیط سکونتشان میپردازد (فکوهی و غزنویان ۱۹۱۳، ص ۹۲). از این منظر خانه برای انسان، نقطه آغاز بسیاری از دوگانگیها، همچون سفر- آمدن، استراحت- جنب و جوش، خانواده - Short)، اجتماع، فضا- مکان، درون- بیرون، خصوصی- عمومی، خانگی- اجتماعی، قلب- ذهن، بودن- شدن است در گزینش مسکن اهمیت بنیادی «هویت» و «سرپناه» (۶۲۰۰)؛ لذا میتوان گفت برای مردم دو انگیزهی اصلی: ۱۴ وجه سرپناهی خانه که به عنوان وظیفه ضمنی، ضروری و انفعالی مطرح است و جنبه فعال مفهوم خانه، که ایجاد محیطی مطلوب برای زندگی خانوادگی است (حائری ۱۳۸۸، ص ۴۸). در نظام اجتماعی، مدیریت، محور زندگی است و ضرورت مدیریت در زندگی اجتماعی انسان بیشتر احساس می‌شود. در تمام ملت‌ها و دولت‌ها نوعی مدیریت و سیاست برای اداره کشور و مردم وجود داشته و دارد. وضعیت مسکن در هر کشور تابع شرایط و آنچه «کیفیت مسکن» اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاص آن جامعه است. اما به‌طور کلی، ارزیابی شهروندان از طلب میکنند، تابع عوامل اجتماعی و جمعیتشناختی مشخصی است که در حوزه «مسکن مطلوب شهری» آنها از برنامه‌ریزی فرهنگی مسکن مورد بحث قرار میگیرد. از سویی دیگر، تغییرات جامعه‌شناختی و جمعیتشناختی یکی از عوامل مؤثر بر مسکن در شرایط فعلی بوده و این تحولات ساختار جمعیتی، احتمالاً در دهه‌های آینده کماکان بر وضعیت مسکن اثرگذار خواهد بود. تأثیر اشکال فضایی شهر و فرایندهای اجتماعی آن بر تغییرات در طول زمان و در نتیجه تحولات فرهنگی - اجتماعی از مسائل مهم در بحث توسعه پایدار شهری خاصه در حوزه مسکن است. مسکن پدیده‌های پیچیده و مرتبط با با مقوله‌های بسیاری میباشد که میتوان مسائل انسانی و اجتماعی را از که معماری مسکن را یک پدیده متأثر از مساله فرهنگ «آموس راپاپورت». مهمترین این موارد فرض نمود

قلمداد میکند، خانه را در درجه اول یک نهاد به شمار می‌آورد تا یک پدیده‌ی سازهای، و جنبه‌ی سرپناه بودن خانه را به عنوان وظیفه‌ی ضمنی و ضروری فرض کرده، و جنبه‌ی مثبت مفهوم خانه را ایجاد محیطی مطلوب برای زندگی مسکن دورهی مدرن نیز در کنار پاسخ (1, Rapoport, ۱۹۶۹, ۶۴) « واحد اجتماعی » خانواده به مثابه به فعالیت‌های خوابیدن، خوردن، تفریح، پخت و پز و کار و امکان دسترسی به مراکز خرید و گذران اوقات فراغت، White, پارکها و مکانهای ورزشی، آموزشی، شغلی، باید امکان ایجاد ارتباط با آشنایان و دوستان را نیز فراهم سازد (۱۸۹۱)). اگر مدیریت را علم و هنر متشکل و هماهنگ کردن فعالیت‌های دسته جمعی برای نیل به هدفهای ۳۲، مطلوب بدانیم (جاسبی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۴)، اصول این هماهنگی میبایست از فرهنگ غالب جامعه استخراج گردد که در این میان بررسی تاثیر سبک زندگی بر الگوهای جاریه مسکن از موضوعات اساسی است که لازم است مورد بررسی و پیمایش قرار گیرد.

۲- مواد و روشها

با توجه به موضوع اصلی مبنای تحقیق که موضوعی چندوجهی است، روش‌شناسی تحقیق نیز باید با توجه کافی به این مهم انتخاب شود. بدیهی است که شناخت تغییرات سبک زندگی بر مسکن و رضایتمندی از دیدگاه شهروندان و تبیین آن فقط با استفاده از یک روش امکانپذیر نیست. در چارچوب این شیوه عمومی، با توجه به فرایند ترکیب در این روش؛ « روش پیمایشی » - ب؛ « روش توصیفی - تحلیلی » - روشها، از روشهای زیر استفاده شده است: الف پرسشنامه پایلوت تهیه و مولفههای اولیه مستخرج از مبانی نظری درباره مولفههای مسکن مطلوب در حوزههای کمی و کیفی استخراج شده و با نظر کارشناسان و اساتید دانشگاهی مولفه های برتر تاثیرگذار انتخاب می شوند تا در تهیه گویههای پرسشنامه اصلی مورد استفاده قرار داده شود. جامعه آماری شامل مردم ساکن تهران در مناطق مفروض خواهد بود. به منظور تعیین نمونه‌موردی - مناطقی از کلانشهر تهران به عنوان نمونه موردی (ترجیحاً از محلات با ویژگیهای فرهنگی - اجتماعی ناهمگن در یکی از مناطق ۲۲ گانه شهری) انتخاب گردید. نمونه‌گیری در یا احتمالاً در صورت عدم دسترسی به آمار در مراکز ذی « تصادفی طبقه‌بندی شده » تکمیل پرسشنامه به شیوه خواهد بود اما تلاش بر آن است که از اقشار مختلف مردم ساکن در بافتهای « نمونه‌گیری تصادفی ساده » ربط مناطق فوق‌الذکر، پرسشگری شود. به این منظور به ازای هر یک از شاخصهای استخراج شده بر اساس ادبیات احتمالاً طیف لیکرت پنج گانه - « طیف لیکرت » نظری و اجماع نظرات کارشناسان، یک گویه تنظیم و در قالب و با « پرسشگری » با شیوه « روش پیمایش مقطعی » طرح میگردد. جمع‌آوری داده‌ها در این مرحله از پژوهش به انجام میپذیرد. « ابزار پرسشنامه »

۳- ادبیات تحقیق

۳-۱ مسکن

طبق نظر شولتز، اقامت گزیدن یا در جایی حاضر شدن از مقوله های سکونت پیدا کردن میباشند و وجود مسکن به این دلیل نیست که حتما در آن سکونتی رخ میدهد. سکونت از نظر هایدرگر فرآیندی است که آدمی در جریان آن تبدیل به خانه کرده و با چهار منبع اصلی تفکر یعنی خدا، خود، آسمان و زمین هماهنگی برقرار میکند (یاراحمدی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۳).

جدول ۱. شاخصهای مطلوبیت مسکن؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس یافته های تحقیق.

مسکن، پیچیده‌ترین نوع بنایی است که معماری میشود، چراکه طراحی این « : اشاره میکند « رابرت و نوری » کاربری، امری فراتر از پاسخ به برنامه است. مسکن چهرهای عمومی و در عین حال زندگی خصوصی ساکنین را

(. و نتلینگ، ۲۹۱۳، ص ۵) « به نمایش میگذارد که در جوامع مختلف متفاوت است و از فردبفرد متغیر خواهد بود جوامع مختلف معیارهای متفاوت و زیادی را برای ارزیابی خانها در نظر میگیرند که بر اساس شأن و مرتبه افراد، طرحوارهها و تصاویر ذهنی، ایده‌آلها، قانونمندی، آداب زندگی و آداب اجتماعی شکل میگیرند (پوردیهمی، ۰۹۱۳، ص ۸

۳-۲ مسکن و فرهنگ

فرهنگ را مجموعه پیچیده‌ای از دانشها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، عادات و هرچه که فرد « ادوارد تایلور » به‌عنوان عضوی از جامعه خویش فرا میگیرد تعریف میکند. هر منطقه از هر کشوری میتواند فرهنگی متفاوت با (. دیگر مناطق آن کشور داشته باشد (کوزر، ۱۳۸۰، ص ۴۴

کالبد و اصول زیباشناختی

معنا و اصول معناشناختی

انسان، محیط و معنا

بافتهای تاریخی و قدیمی

فرهنگ و سنت

نیازهای برآمده از سنت و رسوم گذشتگان

مولفه ها و اصول طراحی سنتی

مسکن و فرهنگ

کالبد و اصول زیباشناختی

معنا و اصول معناشناختی

انسان، محیط و معنا

بافتهای تاریخی و قدیمی

فرهنگ و سنت

نیازهای برآمده از سنت و رسوم گذشتگان

مولفه ها و اصول طراحی سنتی

مسکن و فرهنگ

نمودار ۱. نقش فرهنگ و طراحی مسکن؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان.

. جدول ۲. تعریفهای جامعه‌شناختی و فلسفی فرهنگ؛ نگارنده برگرفته از آشوری ۱۳۵۷

صاحب‌نظر

مفاهیم

نکات کلیدی

تایلور

(۱۸۷۱ م)

کلیت درهمتافتهای شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب‌وسوم، و هرگونه توانایی و عاداتی که آدمی همچون عضوی از جامعه به‌دست می‌آورد.

کلیتی یگانه از ابعاد اجتماعی

ویلسر

۲۰۹۱

تمامی کردوکارهای اجتماعی به گسترده‌ترین معنای آن، مانند زبان، زناشویی، نظام مالکیت، ادب و آداب، صناعات، هنر و جز آن.

شامل تمامی کردوکارهای اجتماعی

دیکسون

۲۸۹۱

الف) مجموعه‌ی تمامی کردوکارها، رسوم و باورها.

ب) مجموعه‌ی فرآورده‌ها و کردوکارها، نظام دینی و اجتماعی، رسوم و باورهای یک قوم ... که بنابه عادت، آنها مینامیم. « تمدن » را

مجموعه‌ی فرآورده‌ها و کردوکارها تحت عنوان تمدن

بندیکت

۹۲۹۱

کلیت هم‌تافته‌ی از تمامی عاداتی که آدمی همچون عضوی از جامعه فراگرفته است.

کلیتی هم‌تافته از عادات دربرگیرنده‌ی تمامی نمودهای عادات اجتماعی در یک واحد اجتماعی و نیز واکنش‌های فرد، تحت تأثیر گروهی که

در آن می‌زید، و فرآورده‌های کردوکار انسانی است که آن عادات تعیین‌کننده‌ی چگونگی آنها.

شامل نمودهای عادت، واکنشها، فرآورده‌های کردوکار

هیلر

۳۳۹۱

باورهای فکری، روش‌های علمی، رو‌های زندگی، رسوم، سنت و دیگر شیوه‌های کرداری سازمان‌یابی آن توسط جامعه است: فرهنگ شامل تمامی کردوکارهاییست که در اجتماع [از روابط] میان افراد شکل می‌گیرد و یا از یک گروه اجتماعی آموخته می‌شود، ولی صورتهای خاصی از رفتار را که سرشت ارثی از پیش تعیین کرده‌است شامل نمی‌شود.

نظامهای فکری و شیوه‌های کردار تحت‌سازمان جامعه، منهای رفتارهای حاصل از سرشت ارثی

میتوان ابعاد فرهنگی مسکن را همانند زنجیری دانست که سایر وجوه اجتماعی، کارکردی و کالبدی، را به یکدیگر

پیوند میدهد و بر روابط بین آنها تأثیرگذار است. احساس هویت‌مندی، احساس تعلق و دلبستگی، احساس

از کیفیتهای اساسی است که در حوزه‌ی مطلوبیت فرهنگی، « سکونت » و در ایجاز کلام احساس عمیق « آشنائیت »

از خانه به عنوان قوای عظیم در آمیخته با زندگی بشر یاد میکند و معتقد « گاستون باشلار ». مورد انتظار است

به همین نسبت خانه، اولین (Bachelard 2007)، است که انسان در خانه است که هویت خود را باز می‌یابد (۷۴

مکانی است که انسان، احساس تعلق را در آن تجربه کرده و اولین ادراک فضایی در آن صورت می‌گیرد. از این

دریچه‌ی نگاه است که هایدگر عنوان میکند حیات مادی و معنوی انسان در خانه شکل می‌گیرد و جریان می‌یابد

(براتی و زرین‌قلم به نقل از شوای ۲۹۱۳، ص ۱۱۸). حیات انسان در این محیط، تحت تأثیر چیزهایی است که با

آن انس گرفته است حتی اگر این دلبستگی در شرایطی باشد که ارزشهای انسانی مورد تهدید واقع شود، انسان

در این رابطه ساختمانها را به دو دسته انسانی و «کیوآزومی» (Dubos ۱۹۶۵, باز با آن تطبیق پیدا میکنند (۳۲) غیرانسانی دسته بندی میکند. او معتقد است که بعضی ساختمانها بیشتر برای کارکرد درست ماشین و تجهیزات «آنتروپوزمیک» طراحی شده‌اند؛ و در گونهی دیگر به نیازهای انسان بیشتر اهمیت داده میشود... در ساختمانهای انسانی)، «آنتروپوفیلیک» (غیر انسانی) افراد ناچارند با کارکردهای فضا تطبیق پیدا کنند، اما در ساختمانهای (طراحی محیط میبایست با شرایط انسان منطبق شود (لنگ، ۱۳۸۳، ص ۱۲۳).

۳-۳ سبک زندگی

میتواند به علایق، نظرات، رفتارها و Life Style سبک روزانه) یا لایف استایل به انگلیسی) «سبک زندگی» جهتگیری رفتاری یک فرد، گروه یا فرهنگ اشاره کند. به معنای شیوه زندگی خاص یک فرد، گروه، یا جامعه است. این اصطلاح نخستین بار توسط آلفرد آدلر روانشناس اتریشی استفاده شد. سبک زندگی را فرهنگ به صورت عام عبارت است از «سبک زندگی» آکسفورد، (راههای گوناگون زندگی فرد یا گروه) میداند. اصطلاح روشی که مردم انتخاب میکنند که چگونه رفتار کنند یا چگونه به فعالیتی بپردازند که دارای شخصیت متمایز مفهوم سبک زندگی بطور ویژه به انتخاب کیفیتهای زندگی و فعالیتها و شیوههای (Rappaport. باشند (۱:۹۶۹۱۵ فعالیت خاص منجر شده که برگیرنده ایده‌آل و تصورات میباشد. از نظر پیر بوردیو سبک زندگی نظام کردوکارهای طبقه بندی شده و طبقه کننده یا نشانه های متمایز کننده است که در قالب ریختار متمایزکننده فضا بازنمایی میشود. توجه به سبک زندگی امروزه بسیار گسترده گشته است این در حالیست که در اوایل تنها توسط زیمل و وبر و آدلر بکار گرفته شده بود.

فردی شدن بسیاری از جنبه‌های زندگی، مورد توجه جدی قرار گرفته است. جنبه های دیداری زندگی انسان ها تحت عنوان سبک زندگی، به بررسی باور های انسانی می پردازد. (اصمیاصطهباناتی و گروسی، ۳۹۱۳، ص ۶۵۱). به عبارت دیگر

اشاره ی شیوه ی زندگی به زندگی مردم بوده و نشان دهنده ی فعالیت های آن ها در جامعه و رفتار و عادات آنها در طول اجتماعی شدن است. (استاجی _ ۱۳۸۶، ص ۱۳۴

اشاره به این اصطلاح توسط آدلر برای حال و هوای زندگی صورت گرفته است که در آن شیوه ی زندگی خودپنداره مورد بررسی قرار میگردد.(فایست_۱۳۹۴_۹۷).تعریف زندگی بر پایه ی الگوی خرید توسط لیزر در سال ۱۹۶۳ ارائه گشت و او معتقد است که سبک زندگی روش های زندگی فردی و اجتماعی و راه های خرید و استفاده از کالا میباشد که همان سبک زندگی مصرف کننده را نشان میدهد.(خوشنویس_۱۳۸۹_۱۰)

سبک زندگی تحت عنوان الگوی مصرفی که دربرگیرنده ی ارزش ها میباشد اولین بار در سال ۱۹۸۳ توسط یاسرمن تحت عنوان مجموعه ای از رفتار های مصرفگرایانه و انتخابات ارائه شد.(رستگار_۱۳۸۷_۴۵)

۱-۳-۳ تاریخ سبک زندگی:

علم جدید سبک زندگی باعث شده که از آن در زمینه ی اختصاص جامعه ی امروزی یاد شود. در علوم اجتماعی از عوامل تحولات فرهنگی غرب در ده های اخیر را نیز میتوان سبک زندگی در نظر گرفت. افرادی چون زیمل و وبر مفهوم های سبک زندگی را در سه دهه پیش بنیان نهادند و آنها سبک زندگی کلان شهر را مجسم کردند به گونه ای که استفاده از لوازم لوکس و زیور آلات نقش مهمی در ان داشت. (نیازی_ نصرآبادی، ۰۹۱۳_ ۱۸۵)

۳-۲-۱- نظر تورشتاین وبلن راجع به سبک زندگی:

وبلن عقیده داشت که جمالگرایی یکی از راه‌های انسان‌ها برای به نمایش گذاشتن خود در برابر دیگران می‌باشد و همین باعث شده که کالاها و زیورآلات گران‌قیمتی از سوی نجیب‌زادگان استفاده شود. (نیازی_۱۳۹۲)

وی همچنین سبک زندگی فرد را الگویی از رفتار اجتماعی شخص را که می‌توانند از جنس روشنفکری باشند میدانند. (رستمی_ اردشیر زاده_ ۲۹۱۳)

۳-۲-۲- نظر جورج زیمل در باره‌ی سبک زندگی: زیمل معتقد است که سبک زندگی در نتیجه‌ی تلاش ایجاد می‌گردد. (فتحی_ مختارپور_ ۳۹۱۳)

۳-۲-۳- بوردیو و سبک زندگی:

سخن‌های زیادی راجع به سبک زندگی توسط بوردیو گفته شده است و حتی کتاب او نیز با عنوان انجیل درین زمینه استفاده می‌شود. او دلیل موفقیت خود در این راه را تحلیل پایه‌های این موضوع به صورت کامل میدانند. (فاضلی_ ۱۳۸۲) او با بررسی جزئیات کامل مفاهیم تحت عنوان شبکه‌های این موضوع نظریه‌ی خود را ارائه داده است که مفاهیم اصلی نظریه‌ی او، سرمایه، منش، میدان، نماد، عمل، قریحه و طبقه می‌باشند. (رستمی_ اردشیر زاده_ ۲۹۱۳)

او مدرنیته و سبک زندگی و مسکن

شکوئی (۱۳۸۰) مدرنیسم را معادل تجددگرایی طرح کرده می‌نویسد: مدرنیسم (تجددگرایی) هدف‌های علم را در جهت‌گیری به سوی حقیقت، بیشتر روشن ساخت و با پروژه عصر روشنگری یا عقلانیت روشنگری، پیوند دارد. در قرن هفدهم، عصر روشنفکری با اصول ریاضیات نیوتونی و دو رساله در باب حکومت اثر جان لاک و سرانجام با اندیشه‌های فلسفی سیاسی رنه دکارت، فرانسیس بیکن و توماس هابز آغاز می‌شود و در قرن هیجدهم با نظریه پردازان و متفکران معروف مثل ژان-ژاک روسو، بارن دو مونتسکیو، دنی دیدرو و اصحاب دایره المعارف پیروزی عقل ابزاری، اعلام می‌گردد. مدرنیته در نقطه‌های و در چرایی خود را از مدرنیسم جدا میکند.

مدرنیته دریافت ذهنی نو از جهان، از هستی، زبان و تحول تاریخی است. مدرنیسم به مجموعه‌های خاص از سبک‌های فرهنگی و زیبا‌شناختی ملازم با تحولات هنری گفته می‌شود که در اواسط قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم شروع و تا نیمه دوم همین قرن، بر هنرهای گوناگون سلطه داشت. این واژه بسیار پیچیده است، چراکه از یک سو، به فلسفه و فرهنگ دوران مدرن اشاره دارد و از سوی دیگر، جنبشهای تاریخ هنر در یکصد سال اخیر میان ۱۸۵۰ تا ۵۰۹۱ میلادی را در بر می‌گیرد (بانیمسعود، ۲۹۱۳). گیدنز (۱۹۹۱) در آغاز کتاب خود به تعریف مدرنیته می‌پردازد. به نظر او مدرنیته به شیوه‌هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می‌شود که از سده هفدهم به بعد (۵۸۹۱) در مورد برخی از «لرنر». در اروپا پیدا شد و به تدریج نفوذی کم و بیش جهانی پیدا کرده است

مدرن سازی: «معیارهای کلی مدرنیزاسیون صحبت میکند، اما بر ارتباطات فکری تأکید میکند. او میگوید اصطلاح کنونی برای یک فرایند قدیمی است - فرایند تغییر اجتماعی که به موجب آن جوامع کمتر توسعه یافته ویژگی‌هایی مشابه به جوامع توسعه‌یافته به دست می‌آورند، این فرایند توسط ارتباطات بین‌المللی یا مابین جوامع (۶۲۰۱) نشان می‌دهد که مدرنیزاسیون روند هدایت و کنترل» (دیوید ای. آپتر) به روش مشابه «فعال می‌شود آگاهانه پیامدهای اجتماعی افزایش تمایز نقش و پیچیدگی سازمانی در یک جامعه است. از دید آپتر سه ویژگی مدرنیزاسیون عبارتند از یک، نوعی نظام اجتماعی که بدون وقفه نوآوری داشته باشد، دو، ساختارهای اجتماعی

تفکیک شده و سه، نوعی چارچوب اجتماعی که مهارتها و دانش لازم برای زندگی در یک جهان با پیشرفتهای معمولاً مدرنیته در دو گروه از ابعاد تعریف میشود، گروه اول ابعاد (Apter, ۲۰۱۶: تکنولوژیکی را تامین کند (۶ ابعاد ذهنی به رفتارهای فردی انسانها تأکید (Lerner, ۱۹۵۸، فکری و گروه دوم ابعاد نهادی مدرنیته است (۱ Giddens), « گیدنز » دارد و ابعاد نهادی به تغییرات جوامع. از مجموع مباحث نظریهپردازان مختلف از جمله میتوان چنین نتیجهگیری نمود که مدرنیته و مدرنیزاسیون در ۳ بعد عمده (Hall, ۱۹۹۲, ۶۲) « هال » (۲۰۱۳) و (۸۶ مدرنیزاسیون اقتصادی، ۲. مدرنیزاسیون سیاسی، ۳. مدرنیزاسیون اجتماعی و (Singh): 1 34, اتفاق میافتد (۲۰۱۵ فرهنگی.

جدول ۳. تفاوت ویژگیهای جامعه مدرن و سنتی به تفکیک ابعاد مدرنیته؛ ماخذ: نگارندگان.

ابعاد مدرنیته

سنتی

مدرن

اجتماعی-فرهنگی

خانواده محوری

فردمحوری

ساختار استبدادی خانوادگی

ساختار دموکراتیک خانوادگی

خانواده گسترده

خانواده هستهای

روابط خویشاوندی گسترده

روابط خویشاوندی محدود

توزیع موقعیتهای بر اساس نسبتها

توزیع موقعیتهای بر اساس شایستگی

حاکمیت روابط اولیه

حاکمیت روابط ثانویه

قوم گرایی

کثرت گرایی

بیسوادی

باسوادی

نابرابری جنسیتی

برابری جنسیتی

اصول گرایی

لیبرالیسم

نرخ رشد جمعیت پایین

نرخ رشد جمعیت بالا

شهرنشینی پایین
 شهرنشینی بالا
 سیاسی
 استبداد
 دموکراسی
 بنیادگرایی
 سکولاریسم
 فقدان آزادی فردی
 آزادی فردی
 دولت سلطنتی
 دولت رفاه
 قوانین عرفی
 قوانین مکتوب
 اختیارات فردی سنتی
 اختیارات غیرفردی عقلانی
 بومیگرایی
 شهروندگرایی
 دفاع نظامی شخصی
 دفاع نظامی دولتی
 اختیارات محلی
 اختیارات دولتی قوی
 اقتصادی
 اقتصاد کشاورزی
 اقتصاد صنعتی
 زمینداری
 سرمایه‌داری
 روابط اقتصادی سنتی
 روابط اقتصادی بر اساس معاهدات
 اقتصاد معیشتی
 اقتصاد بازار محور
 تجارت و تولید سنتی
 نوآوری و کارآفرین

روند ورود نوگرایی به ایران با ظاهرنگری شروع شد، در نتیجه بیشتر تغییرات را در نما و تزئینها میتوان دید. در درجه دوم فرم پلانها، عملکردی مدرن به خود گرفت. در مسیر این تحولات مصالح مورد استفاده در این بناها نیز

اندک اندک عوض شدند. د نهایت ورود عناصر و فضاهای جدید چهره معماری ایران را به کلی تغییر داد. با ورود مفاهیم جدید، پلانها نیز دچار دگرگونی شدند. تغییر نظام اندرونی و بیرونی خانهها از جمله مهمترین آن است، که اشاره کرد. دومین عامل « طبقه » سبب جابهجایی فضاهای خانه شد. در کنار این تغییر میتوان به تغییر در تأثیرگذار، افزایش طبقات بنا بود که باعث اضافه شدن فضاهای جدید به خانه شد. (مهدوی نژاد و منصوری ۲۴). همچنین در ساختمانهای مدرن، حیاط به طبقات بالا منتقل شده و به صورت - مجومرد، ۴۹۱۳، صص ۲۵ بالکن و تراس درآمده است (صارمی، ۱۳۷۴، ص ۳۶). با پیشرفت تکنولوژی و ابداع بتن، فولاد، انواع مصالح ساختمانی و تغییر در سیستمهای ساختمانی شکل خاصی از معماری به وجود آمد (مهرآیین، ۹۱۳۸، ص ۱۴ روابط و تقسیمبندی بخش عمومی و خصوصی، شب و روز و فضاهای خشک و تر به هم نزدیک شدند حمام و توالت در سازمان فضایی خانه جایی در کنار اتاقهای خواب یافت و آشپزخانههای قدیمی و تاریک جای خود را به (فضاهای بهداشتی و کاربردی آشپزخانه دادند (مفیدی، ۵۹۱۳، ص ۱۵

۵- رضایتمندی سکونتی

بر پایه « رضایتمندی سکونتی » رضایتمندی سکونتی، نوعی ارزیابی است که توسط ساکنان صورت میگیرد؛ نظریه تفاوت بین زندگی واقعی خانواده ها و آرزوهای آنها درمورد شرایط مسکن و محیط اطرافشان شکل گرفته است. (غیائی و همکاران، ۲۹۱۳). هرگاه میزان نارضایتی سکونتی به بیش از آستانه تحمل برسد، افراد به دنبال راهحل هایی برای بهبود موقعیت نامطلوب فعلی خود میگردند. در این موارد، معمولاً برخی اقدامات کالبدی و غیرکالبدی به منظور کم کردن فاصله شرایط فعلی با انتظارات ساکنین، دیده میشود. این اقدامات ممکن است به شکلهای مختلفی صورت گیرد؛ از جمله بازنگری در نیازها و ایده آنها در حوزه مسکونی، ارتقا مطلوبیت مسکن با ایجاد (Mohit et al). تغییرات کالبدی و یا در نهایت تغییر مکان سکونت (۲۰۱۰

۶ کیفیت و مطلوبیت مسکن -

یکی دیگر از معیارهای تبیینکنندهی مسکن خوب در بعد اجتماعی میزان مشارکت مردم در امر تصمیمسازی برای ایجاد الگوهای فضایی مسکن است. شاید مشارکت در این مفهوم بیشتر از راه فهم و دریافت ارزشهای فرهنگی معتقد است مشارکت در طراحی به معنای دادن « هابراکن ». (مردم میسر شود (اسلامی و کاملنیا ۲۹۱۳، ص ۶۶ نقش مهم و تأثیرگذار به کاربران در تصمیمسازی است، همانگونه که متخصصان نسبت به آن مسئولیت دارند. تایلور و « (Moatasim 2005), مشارکت به نوعی درگیر ساختن مردم برای آشناسدن با نظرات آنهاست (۱۴ نیز در تبیین ابعاد این مشارکت تأکید میکنند که قدرت تصمیمگیری باید در اختیار مردم غیرنخبه قرار « مکنزی ۳۳) کیفیت مسکن که ، گیرد به طوری که آن ها از هر نوع کنترل آزاد باشند. (علیالحسابی و یوسف زمانی ۹۱۳۸ مطلوبیت مسکن را نیز به همراه دارد، اگرچه جذابیت و معنی عام دارد، ولی یک تعریف پذیرفته عام ندارد. هر عبارتی که در تعریف کیفیت بهکار رود، کیفیت زندگی یک فرد به حقایق عینی و خارجی زندگیش و دریافت ها و ادراکات درونی و ذهنی او از این عوامل و نیز از خودش وابسته است. مفهوم کیفیت مسکن چند مشخصه جالب دارد: الف: تنها به زندگی انسانی ارجاع دارد. ب: به ندرت در (صیغه) جمع (یعنی بصورت کیفیات زندگی) بکار رفته است. ج: به عنوان یک عبارت عام و غیرقابل تقسیم میباشد که معنایش می تواند ناب و خالص باشد. د: « رامنی، براون و فرای ». مشکل است که آن را به هر رده مجزا از علوم مرتبط با جامعه شناسی طبقه بندی نمود . (۴۹۹۱) کوشیده اند تا توضیح دهند چرا تعریف جهانشمول پذیرفتهای از کیفیت مسکن وجود ندارد: (۱) فرآیندهای درونی و ذهنی وابسته به تجارب کیفیت میتوانند از طریق فیلترها (و دیدگاهها) و بیانهای مختلف

توضیح داده و تفسیر شوند، ۲. مفهوم کیفیت به میزان قابلیت‌توجهی سنگین (و مبهم) است، و ۳. مفهوم کیفیت، فهمیدن رشد بشر و فرآیندهای توسعه‌های، میانگین امید به زندگی در جوامع و گستره‌های که این فرآیندهای روانشناختی تحت تاثیر عوامل محیطی و نظام‌های ارزش (گذاری) انفرادی هستند، را دربردارد. گروه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی کیفیت مسکن را ادراک فردی از وضعیت زندگی در متن نظام‌های فرهنگی و ارزشی جامعه و در ارتباط با اهداف، انتظارات، استانداردها، علایق و نگرانیهای فرد توصیف می‌کند. در مورد نامیده، اشاره میکند که «بومشناختی» چگونگی برقراری موازنه کارکردی در فضا، بارکر از دیدگاهی که آن را هنگامیکه میان اعمال انسان و محیط فیزیکی و اجتماعی سازگاری وجود داشته باشد، مکانها به همساختی میرسند در اغلب مباحث تخصصی، ارزیابی کیفیت زیست جمعی موازی با نحوه تأمین خلوت یا (1 Barker ۵۹۶، ۹۸) احترام به حریم خصوصی ساکنین، بحث شده است. پیداست دستیابی به نقطه تعادل میان این دو، ایده‌آل مورد نظر در تبیین چارچوب قواعد نظری مسکن مطلوب است. همانطور که رابطهی نزدیک میان ساکنین نیازمند تعریف دقیق قلمروهاست، مفصل‌بندی واضح بین قلمروهای خصوصی و عمومی و برآورده شدن حس خلوت نیز، پیشین‌سازی مهمی برای رویارویی اجتماعی تلقی میشود (گل، ۲۹۱۳، ص ۱۰۱). در صورت عدم توجه کافی به مرز تعادل، میان حریم خصوصی افراد و روابط همسایگی، گزینش اجباری زیست انفرادی یا تحمل ازدحام آزاردهنده رخ خواهد داد که تبعات ناشی از آن قابل تأمل است. به همین علت میتوان انتظار داشت؛ اشخاصی در یک محله جمع شوند، در یک کوی یا در یک آپارتمان سکنی گزینند که به این نیازها و خواستهها، در یک تراز مشابه پاسخ توسلی_۱۳۹۳_ ۲۱۵). عوامل مؤثر بر مطلوب بودت مسکن شامل:

از لحاظ فرهنگی: عدم رعایت فرهنگ و نحوه ی زیستن در تقسیمات فضایی خانه باعث عدم مطلوبیت آن میشوند و ممکن است پس از مدتی زندگی، ساکنان آن در خانه شان تغییر ایجاد کنند. بنابراین معمار سازنده ی خانه باید بر آداب و رسوم افراد شناختی داشته باشد.

از جهت اقلیم: توجه به وضع اقلیمی خانه از لحاظ تطابق آن با اقلیم آن ناحیه و تصحیح خانه در برابر عوامل جوی نامناسب باعث میشود که بتوان ترتیب آن را به گونه ای که مناسب زندگی عادی باشد داد.

ایجاد فاصله ی مناسب بین خانه ها برای جابجایی هوا بین آنها و اندازه ی پنجره و میزان روشنایی و ... باید در ساختمان سازی رعایت گردد.

از جهت آسایش: ایجاد فضا های باز و سبز، فضای بازی کودکان، دور بودن از شلوغی و فرودگاه و ... میتواتد از عواملی باشد که موجب آسایش خانه گردد.

از نظر امنیت: نیاز غریزی انسان به امنیت نیز باید در اهداف طراحی ساختمان قرار گیرد و از جنبه های فیزیکی مانند حصار و نرده و زنگ و قفل و ... و جنبه های انسانی مانند نگهبان و ... مورد بررسی باشد.

از جهت زیبایی: معمار خانه باید طبق نظر مردم و معیار های زیبایی یک ساختمانی زیبا بسازد و با در نظر گرفتن فضای سبز و ... میتواتد به زیبایی ساختمان بیافزاید.

از جهت تکنولوژی: خانه ها در عصر جدید باید طبق تکنولوژی ساخته شوند تا بر محبوبیت آنها بیافزاید و مجهز سازی خانه با استفاده از تکنولوژی یکی از ملزومات میباشد.

از جهت روانی: از لحاظ فرهنگی خانه باید به گونه ای ساخته شود که مورد پسند افرادی با ریشه ی فرهنگی آن منطقه و فضاها و رنگ های دلنواز قرار گیرد و از لحاظ روانی مورد تایید باشد.

نتایج حاصل از پرسشنامه و بررسی آنها به قرار زیر است: ۱. آمارها نشان می‌دهد که ۴۶ درصد پرسششوندگان مرد و ۶۳ درصد هم زن بوده‌اند. از میان پرسششوندگان ۷۹ درصد دارای تابعیت ایرانی و ۳ درصد به سایر ملیتها مربوط بوده است. در رابطه با میزان تحصیلات نیز بیشترین میزان مربوط به لیسانس با ۴۸ درصد، سپس فوق دیپلم با ۲۴ درصد و ۲۲ درصد فوق لیسانس و بالاتر بوده است و مابقی درصدها مربوط به سایر مدارج علمی بوده است. در رابطه با شغل نیز، ۵۳ درصد دارای شغل آزاد، ۲۲ درصد دولتی و ۲۵ درصد هم بیکار بوده‌اند. در محله دروس در پاسداران، ۴۹ درصد بصورت تکخانواری، و تنها ۴ درصد چندخانواری بوده‌اند و ۲ درصد هم پاسخ نداده‌اند. در رابطه با میزان رضایت از تراکم خانوار، نیز ۸۲ درصد رضایت خود را خیلی زیاد، ۱۳٫۵ درصد زیاد، ابراز داشته و مابقی هم رضایت اندکی داشته‌اند. در محله نازی آباد نیز ۸۰ درصد تکخانواری و حدود ۱۴ درصد چند خانواری بوده‌اند و مابقی نیز از پاسخدهی اجتناب کرده‌اند. در محله نازیآباد هم ۸۶ درصد رضایت خیلی زیاد، ۲۸ درصد زیاد و مابقی هم رضایت بطور نسبی اندک داشتند.

۱-۷- سنجش رضایتمندی بعد از تغییرات سبک زندگی

در محله دروس در پاسداران، ۸۶ درصد رضایت خیلی زیاد، ۹۱ درصد زیاد، ۸: «رضایت از محل سکونت» درصد تاحدودی، ۳ درصد کم و ۴ درصد هم خیلی کم داشته‌اند. این میزان در محله نازی آباد ۴۵ درصد خیلی زیاد، ۲۱ درصد زیاد، ۳ درصد تاحدودی، ۲۰ درصد کم و ۱۲ درصد خیلی کم ارزیابی شده است. در محله دروس، ۴۵ درصد خیلی زیاد، ۳۰ درصد زیاد، ۱۳ درصد تاحدودی، و تقریباً ۱۳: «رضایت از دسترسی» درصد کم و خیلی کم ابراز رضایت داشته‌اند. همچنین، در محله نازیآباد ۲۱ درصد خیلی زیاد، ۳۰ درصد زیاد، ۲۸ درصد تاحدودی، و تقریباً ۲۱ درصد کم و خیلی کم رضایت داشته‌اند.

در محله دروس آمار نشان می‌دهد که ۶۱ درصد خیلی زیاد، ۹۱ درصد زیاد، ۴۵ درصد: «نوع مالکیت» تاحدودی، ۱۱ درصد کم و ۹ درصد خیلی کم ابراز رضایت داشته‌اند که این میزان در محله نازی آباد، ۵۲ درصد خیلی زیاد، ۱۲ درصد زیاد، ۶۱ درصد تاحدودی و تقریباً ۲۱ درصد در مجموع کم و خیلی کم برآورد شده است. در محله دروس نیز میزان رضایت از عمر ساختمان، تقریباً ۲۸٫۵ درصد خیلی زیاد، ۲۴٫۷ درصد: «عمر ساختمان» زیاد، ۳۰٫۴ درصد متوسط، ۹۷٫۰ درصد کم و ۶۷٫۰ درصد خیلی کم ارزیابی شده است. همچنین، در محله نازی آباد نیز ۸۹٫۱ درصد خیلی زیاد، ۱۰٫۸ درصد زیاد، ۱۷٫۵ درصد تاحدودی، ۲۳ و ۱ درصد کم و ۲۸٫۸ درصد خیلی کم ابراز رضایت داشته‌اند.

آمار نشان می‌دهد که در محله دروس ۶۸ درصد بصورت آپارتمانی، ۱۲ درصد ویلایی و مابقی به: «نوع سکونت» سایر طرق سکنی گزیده‌اند. در محله نازی آباد این میزان به این شرح است: ۵۱ درصد آپارتمانی، ۴۵ درصد ویلایی و مابقی به سایر طرق. در این محلات درباره میزان رضایت از نوع سکونت پرسش شده که در محله دروس ۲۰٫۸ درصد خیلی زیاد، ۱۱٫۸ درصد زیاد، ۲۲٫۱ درصد تاحدودی، ۱۷٫۵ درصد کم و ۲۷٫۸ درصد خیلی کم ابراز رضایت داشته‌اند که در محله نازی آباد این میزان ۸۹٫۱ درصد خیلی زیاد، ۶۵٫۰ درصد زیاد، ۳۳٫۵ درصد تاحدودی، ۹۱۴ درصد کم و ۲۶۲ درصد خیلی کم ارزیابی شده است.

نمودار ۲. توزیع فراوانی در مورد ویژگیهای جمعیتی خانوار در محله دروس و نمودار ۳ (سمت چپ). توزیع فراوانی در مورد ویژگیهای جمعیتی خانوار در محله نازی آباد؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان.

نمودار ۴. نمودار توزیع فراوانی میزان رضایت از عمر ساختمان در محله دروس و نمودار ۵ (سمت چپ). نمودار توزیع فراوانی میزان رضایت از عمر ساختمان در محله نازی آباد؛ ماخذ: نگارنده.

نمودار ۶ (سمت راست). رضایت از نوع سکونت در محله دروس و نمودار ۷ (سمت چپ). رضایت از نوع سکونت در محله نازی آباد؛ ترسیم: نگارندگان.

نمودار ۸ (سمت راست). درصد میزان رضایت از پلان در محله دروس؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان بر اساس یافته‌های تحقیق. و نمودار ۹ (سمت چپ). درصد میزان رضایت از پلان در محله نازی آباد؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان بر اساس یافته‌های تحقیق.

نمودار ۴۰ (سمت راست). درصد میزان رضایت از محرمیت در محله دروس؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق. و نمودار ۴۱ (سمت چپ). درصد میزان رضایت از محرمیت در محله نازی آباد؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

از مقایسه آمار و نتایج در بین محلات فوق‌الذکر نیز نتایج زیر حاصل میگردد:

بررسیها نشان میدهد که بافت بعد خانوار در مناطق پایین نشین تهران قدری دارای تراکم بیشتر به ازای خانوار/ واحد مسکونی است؛ البته هرچند به‌طور دقیق این تفاوت فاحش نیست؛ ولی نظرات بیشینه پرسش شونده‌گان به این نکته اشاره دارد که تقریباً تمامی آنها ترجیح می‌دهند بعد خانوار ۱ باشد (سبک زندگی جدید). این موضوع در مقوله برنامه‌ریزی سبک زندگی و مسکن نشان میدهد که عرضه مسکن به ازای هر خانوار میبایستی یکی از اهداف برنامه‌ریزی مسکن بوده تا شرایطیستی مطلوب در نظر شهروندان فراهم گردد. همچنین مقایسه دوبرویی میزان رضایت از تراکم خانوار در این محلات نشان میدهد که محله دروس ۱,۱۱ برابر محله نازی آباد احساس رضایت بیشتری دارند که با توجه به بعد خانوار در این محلات معنادار بوده است.

در رابطه با میزان رضایت از محل سکونت، یافته‌های تحقیق نشان میدهد که شهروندان در محله نازی آباد بر اساس ویژگیهای فرهنگی، اقتصادی و شرایط اجتماعی نسبت به گزینش مکان زندگی اقدام میکنند و صرفاً زندگی در تقسیم بندی بالا شهر- پایین شهر برای آنها اهمیت چندانی ندارد (عدم تغییر جدی سبک زندگی و روحیه تجمل‌گرایی و مصرفی) ولی در محله دروس غیر از ساکنان قدیمی که از بازاریان و افراد مذهبی و سنتی تهران بوده‌اند، تمایل به زندگی در جایی که در اذهان عمومی اشراف‌تر جلوه می‌کند، اهمیت بیشتری داشته است. در هر حال، مقایسه متناظر رضایت مطلوب در محله دروس به محله نازی آباد، ۱,۳۱ برآورد شده است که نشان از برتری نسبی سکونت در این دو محله نسبت به یکدیگر دارد.

درباره محرمیت در این محلات نکات قابل تاملی به دست آمده است که با توجه به بافت اجتماعی این محلات قابل تامل است؛ چراکه بافت اجتماعی محله دروس ترکیبی ناهمگون و نامتجانس بوده (تحت تاثیر سبک زندگی جدید) که اختلاط سنتی و مذهبی قدیمی این محله با افراد تازه ساکن شده با تفکرات مدرنتر را نشان میدهد؛ در حالیکه در محله نازی‌آباد تقریباً دارای تجانس و همگونی بیشتری است. آمار نشان داده که رضایت از مطلوبیت محرمیت در محله دروس تقریباً دوبرابر محله نازی آباد بوده است. همچنین در محله دروس بطور کل چندان توجهی در مجموع به این موضوع به نسبت محله نازی آباد با وجود بافت قدیمیهای تهران اطراف مسجد دروس نمی‌شود. درباره محرمیت در وضع موجود، در محله دروس، ۶۵۵ درصد معتقدند که محرمیت وجود دارد و ۴۴,۴ درصد معتقدند در مسکن آنها این مقوله دیده نشده و اصولاً اهمیت چندانی ندارد که در وجود اشپزخانه آپن و تراسهای بیشتر و پذیرش اشرف همسایه بر ملک یا عدم محرمیت پذیری بنا خود را نشان داده است. در محله نازی‌آباد این میزان، ۳۹۲ درصد اعلام کردند که وجود دارد و ۷۰,۷ درصد باور دارند که رعایت نشده

است. در زمینه تمایل آنها نیز تنها ۲۳,۱ درصد در محله دروس به محرمیت ابراز تمایل کرده‌اند که این میزان در محله نازی آباد ۴۶۶ درصد برآورد شده است.

نوع مالکیت از مهمترین مقولات در حوزه مسکن و پر مناقشه‌ترین مولفه در برنامه‌ریزی مسکن شهری است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میزان رضایت از نوع مالکیت در محله دروس نسبت به نازی آباد، تقریباً نصف است. با وجود اینکه تقریباً درصد نوع مالکیت مبنی بر ملک شخصی، استیجاری و غیره، در هر دو محله یک ساختار تقریباً هماهنگ را داشته و در افراد پرسششونده، تفاوت فاحشی در رابطه با مالک بودن و یا نبودن دیده نشد، ولی در محله دروس افراد رضایت کمتری از عدم تملک محل زندگی خود داشتند که دلیل آن شاید در انتظار بالا از سطح زندگی و یا ساده‌انگاری زندگی در سطح توقعات پایین در محله نازی‌آباد و البته تغییرات سبک زندگی در محله دروس یا تمایل این افراد به تغییرات بیشتری در مسکن و استحاله‌های کالبدی درون آن بوده باشد. در اینباره ضرورت دارد که با یک برنامه‌ریزی دقیق فرهنگی در پی واکاوی این پرسش بود که چرا در ایران، مسکن به عنوان یک کالای حیاتی فرض شده و جز ضرورت‌های زندگی به عنوان یک کالای پایه می باشد. به نظر می رسد که تلاش برای یک تغییر نگرش جدی به مقوله مسکن میبایستی در امور فرهنگی برنامه‌ریزی مسکن قرار گیرد و خارجسازی آن از سطح یک کالای پایه که مالکیت آن حیاتی فرض شده باشد به کالایی منعطف، لازم و ضروری بنظر میرسد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مردم بر کیفیت‌های درون خانه بیش از مشخصه‌های بیرونی آن خاصه در محلات بالانشین تأکید دارند (سبک زندگی جدید). فضا‌های جمعی خوب و عرصه‌های مناسب شکلگیری روابط خانوادگی همچون فضای پذیرایی میهمان بیشترین ضریب تأثیر در تشخیص مطلوبیت مسکن از نگاه مردم دارند (سبک زندگی جدید) و میتوان گفت جز حداقل انتظاراتی است که آنها برای گزینش فضای زندگی خود دارند. در تدوین و مراحل عملیات‌سازی برنامه‌ریزی فرهنگی مسکن التفات به این موارد ضروری بنظر میرسد. عوامل فرهنگی بخش در حیطه ی مسکن عبارت از:

ایجاد شرایط تحقیق و بررسی در حیطه ی سبک زندگی و استفاده ازین اطلاعات برای مسکن سازی با توجه به فرهنگ.

رشد میزان مشارکت مردمی در زمینه های فرهنگی در راستای اهداف غیر دولت برای همه گیری فرهنگی. رشد سطح تفکر در زمینه ی معماری خصوصاً بخش مسکن و بررسی تحولات فرهنگی در ایران و پیدا کردن راهکار های مفید .

بررسی سنت و شیوه ی زندگی گذشتگان و استفاده از تجربیا آنان برای ساختن برنامه های جدید مسکنی. تلاش در جهت حذف موانع موجود در زمینه ی طراحی مسکن با استفاده از بررسی بنیان های ملی و دینی و ویژگی های قومیتی و مذهبی؛

طبق نظریات گفته شده میشود طرح مطالعات فرهنگی و سبک زندگی و مسکن را تحت عنوان سند در دستور کار سازمان هایی خصوصاً سازمان شهرسازی قرار داد. پس نتایج ذکر شده باید شامل اسناد راهبردی، اجرایی، تحلیلی، منطقه ای باشند و از الگوی نموداری زیر به عنوان پیشنهاد بهینه سازی طرح مسکن در ایران استفاده شود.

جدول ۴. تاثیر سبک زندگی و اطوار تاثیرگذار آن در طراحی مسکن؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

استاجی_ زهرا_ (۶۱۳۸) بررسی سبک زندگی _ مجله دانشکده خدمات بهداشتی و درمانی_ دوره سیزدهم_ شماره ۳

تهران_ چاپخانه رامین_ « آشوری_ داریوش (۱۳۵۷) _ مفهوم فرهنگ

اصمی_ اصطهباناتی- مریم و گروسی- سعیده (۳۹۱۳)- سبک زندگی و عوامل موثر بر آن

دانشگاه باهنر کرمان_ مجله فرهنگ دانشگاه اسلامی _ سال چهارم_ شماره ۴

بابائی طلائی_ محمدباقر_ (۶۱۳۸) _ مدیریت در فرهنگ علوی_ مجله مدیریت_ سال اول_ شماره ۳ (تکاپو سنت و مدرنیته)_ جلد چهارم_ چاپ چهارم_ تهران_ هنر معماری قرن

بخشایش اردستانی_ احمد_ (۶۱۳۸)- جهان سوم و چالشها_ اهواز_ دانشگاه آزاد اسلامی

پوردیهیمی_ شهرام_ (۰۹۱۳) فرهنگ و مسکن _ مسکن روستایی_ شماره ۱۳۴

رستمی_ احسان_ اردشیرزاده_ مرجان_ (۲۹۱۳) نگاهی به سبک زندگی_ فصلنامه سبک زندگی_ سال دوم_ شماره ۳

رویا_ صادقی_ فرشته_ دانشگر_ مقدم- گلرخ - دژدار- امید- (۱۹۱۳)- بررسی رابطه طرح کالبدی مجتمعها

حس دل بستگی مکان در بین ساکنین_ (مطالعه موردی_ مجتمعهای مسکونی امام خمینی همدان)_ نشریه مدیریت شهری_ دوره ۱۰ _ شماره ۳۰

نشریه نقش « روش طراحی مسکن انعطافپذیر »- (زندیه- مهدی- اقبالی- سید رحمان- حصاری_ پدارم_ (۰۹۱۳) . جهان، دوره ۱، شماره ۱

صارمی_ علی اکبر_ (۱۳۷۴) معماری ایرانی _ آبادی ۹۱

صفا هرندی_ سجاد_ (۹۱۳۸) _ سبک زندگی چند ساله است؟ _ (تاریخچه مفهوم سبک زندگی در اجتماع)_ سوره اندیشه_ شماره ۶۴

ارزیابی رضایت شهروندی_ (طبی مسرور_ ابوالقاسم _ رضایی موید_ صادق_ ۴۹۱۳

نشریه مدیریت _ دوره ۱۴ « مجتمعهای مسکونی- مورد پژوهشی- مجتمعهای مسکونی همدان ۴۰

علی الحسابی_ مهران_ یوسف زمانی_ مهرداد_ فرایند طراحی و معماری_ (۹۶۱۳) تعامل طراح و بهره بردار -
(مدل یابی در مسکن های شخصی ساز)_ هنرهای زیبا_ ۴۳

سنجش رضایتمندی سکونتی_ (غیائی_ محمد هادی_ عظیمی_ شراره و شهبان- پویان_ ۲۹۱۳
نشریه هویت شهر_ متغیرهای مسکن_ واحد همسایگی (مطالعه موردی - مجتمع مسکونی پزشکان فارابی دوره ۷
شماره ۱۵
فاضلی_ محمد_ (۱۳۸۲)_ مصرف_ انتشارات صبح صادق